

مقدمه

نظام انقلابی، به‌عنوان یک پدیده پویا و تحول‌آفرین، نه تنها ساختارهای سیاسی و اقتصادی جوامع را به چالش می‌کشد، بلکه ابعاد اجتماعی، فرهنگی و حقوقی را نیز به‌صورت فراگیر تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. این اثرات به‌شدت به جایگاه انسان درون این نظام توجه دارد و تحت‌تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم این تحولات، جوانب مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان را متحول می‌کند.

اهمیت این تحقیق تا به آنجاست که دشمنان به تحریف مبانی انقلاب اسلامی روی آورده‌اند برای اینکه آحاد جامعه را از پشتیبانی انقلاب پشیمان کنند به هر نقش‌های شیطانی‌ای دست می‌زنند و با توجه به مشکلات اقتصادی در جمهوری اسلامی زمینه موج‌سواری آنها فراهم شده است تا جایی که عده‌ای به مهاجرت دست‌زده‌اند و عده‌ای هم‌آرزوی مهاجرت دارند.

با ترکیب دیدگاه‌های فلسفی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، این پژوهش قصد دارد نقش انسان را در مفهوم کلان نظام انقلابی باز کند و مورد بررسی قرار دهد که:

- ۱- در انقلاب اسلامی انسان چه جایگاهی دارد؟
- ۲- آیا هدف انقلاب احیای ارزش‌های انسانی است؟
- ۳- انسان در انقلاب اسلامی چه وظیفه‌ای دارد؟

باتوجه به گستردگی این موضوع، این تحقیق به امید آن است که یک نگاه جامع و عمیق به جایگاه انسان در نظام انقلابی ارائه دهد و راهنمایی برای درک بهتر این تحولات و تداوم یا تغییرات در آینده فراهم کند.

اما در لابه‌لای سخنرانی امامین انقلاب و سایر کتب به صورت مستقل مطالبی پراکنده بیان شده که عبارت‌اند از:

مصباح یزدی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن (۱۳۵۷) به بحث ریشه‌ای انقلاب پرداخته است و عواملی که باعث شد مردم بر علیه طاغوت قیام کنند. مقاله پیشرو پا را فراتر نهاده و جایگاه ذوالابعد به انسان کرده است.

رهبری، مهدی در کتاب اقتصاد و انقلاب اسلامی (۱۳۸۳) ایران فقط به بعد اقتصادی پرداخته است و جایگاه اقتصادی انسان را در نظام اقتصادی بررسی نکرده است در حالی این مقاله جایگاه و وظیفه انسان را ترسیم شده است.

محمدیان، عباس در پژوهش‌نامه متین تابستان ۱۳۸۴ شماره ۲۷ با عنوان انسان کامل از منظر امام خمینی علیه السلام فقط به ویژگی‌های انسان کامل از دیدگاه امام پرداخته است. این در شرایطی است که مقاله حاضر نگاهی جامعه به انسان کرده است نه فقط از حیث انسان کامل.

این تجزیه و تحلیل از زوایای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی این نظام را در نظر می‌گیرد تا تأثیر ژرف و گسترده‌ای که بر جامعه و افراد دارد، روشن شود.

این تحولات نقش انسان را در جوانب مختلف زندگی و مشارکت اجتماعی وی تعیین می‌کند. اینک به تبیین موضوع می‌پردازیم:

۱- مبانی انقلاب اسلامی

نظام انقلابی، از لحاظ فلسفی و ایدئولوژیک، با مبانی گسترده‌ای که ارتباط مستقیم با جایگاه انسان دارد، شکل می‌گیرد. این بخش به بررسی مبانی فلسفی و اصول ایدئولوژیکی نظام انقلابی می‌پردازد که تأثیر عمیقی بر طراحی و اجرای این نظام داشته‌اند. اینک به شرح و تفسیر این مبانی می‌پردازیم:

۱- توحید

توحید، یا یگانگی خداوند، به‌عنوان یکی از اصول اساسی اسلام در همه جوانب و شئون زندگی مسلمانان حضور و جریان دارد. خداوند برای رساندن پیام توحید و دعوت به زندگی بر اساس آن، یک‌صد و بیست و چهارهزار پیامبر مبعوث کرد.

مأموریت اصلی و مشترک این پیامبران، دعوت مردم به توحید و دوری از دوگانگی، تثلیث و شرک (چه شرک آشکار و چه پنهان) بوده است.

مبانی انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و بر پایه اصل توحید شکل گرفته است که در ادامه توضیح داده می‌شود: انقلاب اسلامی بر اصل توحید استوار است و این اصل بر همه شئون جامعه تأثیرگذار است.

در اسلام، تنها معبود انسان و کل جهان، خداوند است و همه انسان‌ها باید برای او و به رضای او عمل کنند. هیچ‌چیز و هیچ‌کس نباید مورد پرستش قرار گیرد.

در جامعه‌ای که افراد از پرستش شخصیت‌ها، منافع، لذت‌ها و هر نوع پرستش دیگری منع می‌شوند و تنها به پرستش خداوند دعوت می‌شوند، روابط بین انسان‌ها تغییر می‌کند. این تغییرات بر روابط اقتصادی و غیراقتصادی درون جامعه و حتی روابط این جامعه با خارج نیز تأثیر می‌گذارد، و تمامی امتیازات ناعادلانه لغو و معیار برتری فقط تقوا و پاکی خواهد بود. (خمینی، ۱۳۸۹: ۵/۸۱)

توحید یعنی اعتقاد به این‌که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت‌آور و قانونمند کائنات و عالم آفرینش، از کهکشان‌ها و ابرها و حفره‌های عظیم آسمانی و کرات بی‌شمار و میلیون‌ها منظومه شمسی بگیرد، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است.

این اعتقاد امری است که هر ذهن سالم و هر انسان عاقل و صاحب تفکر و دور از شتاب‌زدگی در فکر یا بی‌حوصلگی در تصمیم‌گیری یا پیش-داوری در قضایا این را قبول می‌کند.

نقطه بعدی این‌که این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی-نهایت و توصیف‌ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند.

بنابراین، هم اثبات این قدرت و اراده و مهندسی پشت سر این هندسه عظیم و پیچیده است؛ هم اثبات این‌که آن مهندس بی‌نظیر و

غیرقابل توصیف، این چیزهای کوچکِ دم‌دستی بی‌ارزشی که بشر یا خودش می‌سازد، یا مثل خودش کسی آنها را می‌سازد، یا از قبیل خودش یک موجود زایل شدنی است، نیست؛ بلکه (هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ) (حشر: ۲۳) "اوست خدایی که جز او هیچ معبودی نیست، همان فرمانروای پاک، سالم از هر عیب و نقص، ایمنی‌بخش، چیره و مسلط، شکست‌ناپذیر، جبران‌کننده، شایسته بزرگی و عظمت است.

خدا از آنچه شریک او قرار می‌دهند، منزّه است "توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم بر اساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم.

۲- تکریم انسان یا انسان محوری

اسلام زمانی ظهور کرد که جبهه باطل انسان را به بیراهه کشانده بود ارزش‌های والای انسانی را از بین برده بودند که در این هنگام اسلام ظهور کرد با محوریت انسان، اسلام انسان را جانی تازه بخشید انسان واقعی را احیاء کرد از دهان گرگ‌صفتان آن زمان نجات داد در ادامه همین مأموریت انقلاب اسلامی هم زمانی پیروز شد که مکاتب بشری کرامت انسانی را به هر بهانه‌ای به یغما برده بودند تحریف آنها از معنای انسان و کرامت انسانی انسان را در سردرگمی قرار داده بود اینک کرامت انسانی در نظام انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهیم:



در بینش اسلامی و قرآن (أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) (لقمان: ۲۰) "آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است، مسخّر و رام شما کرده" و نهج البلاغه و آثار دینی، این تلقی به‌خوبی مشهود است که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد. در آیات زیادی هست که خورشید مسخّر شماسست، ماه مسخّر شماسست، دریا مسخّر شماسست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که این تعبیر را (وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ) (جاثیه: ۱۳) "همه اینها مسخّر شمایند" بیان می‌کند. مسخّر شمایند، یعنی چه؟

یعنی الان بالفعل شما مسخّر آنها هستید و نمی‌توانید تأثیری روی آنها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده‌اید و عوالم وجود و کائنات به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخّر شمایند. مسخّر یعنی چه؟ یعنی شما می‌توانید از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان‌دهنده آن است که این موجودی که خدا، آسمان، زمین، ستاره، شمس و قمر را مسخّر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد.

همین عزیز بودن هم تصریح شده است (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) (اسراء: ۷۰) "بنی آدم را تکریم کردیم" تکریم تکوینی و تکریم

تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است. (خامنه‌ای، ۷۹/۹/۱۲).

منظور از «کرامت» این است که انسان دارای حُرمت است و حق دارد در جامعه به طور محترمانه زیست کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد. (مصباح، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۸)

حق کرامت و حرمت فرد در جامعه به اندازه حق حیات اهمیت دارد. انسان، به‌عنوان یک موجود اجتماعی، زمانی می‌تواند به رشد و تکامل خود ادامه دهد که بتواند از نعمت‌های الهی چه مادی و چه معنوی، فردی و اجتماعی بهره‌مند شود. برای اینکه این رشد و تکامل امکان‌پذیر باشد، ابتدا باید حرمت اجتماعی افراد که یک نیاز طبیعی و فطری است، حفظ شود و آنها نباید مورد اهانت و تحقیر قرار گیرند.

شخصی که حرمتش شکسته شود و با او توهین‌آمیز برخورد شود، احساس شخصیت نخواهد کرد و از نظر روانی دچار اضطراب، تزلزل و ناامیدی می‌شود؛ بنابراین، اولین گام حفظ حرمت و شخصیت انسانی است. دومین گام این است که باید برای همه افراد فرصتی فراهم شود تا از امکانات و نعمت‌های موجود بهره‌مند شده و به کمال مطلوب خود برسند. در دین اسلام، احترام به انسان‌ها به‌عنوان یک «اصل» شناخته شده و توجه زیادی به این موضوع شده است. اسلام، اگر نگوئیم بیشتر از همه مکاتب، دست‌کم

در سطح سایر مکاتب، حق کرامت و احترام اجتماعی انسان را ضروری و معتبر می‌داند. (مصباح، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۹)

در روایات بسیاری آمده است که، هر کس مؤمنی را تحقیر نماید به ذات کبریایی خداوند اهانت نموده و با او اعلام جنگ نموده است و کسی که چنین گناهی را مرتکب گردد مستحق عقوبت ابدی خواهد بود. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص. ۳۵۱) و نیز در بعضی روایات آمده که حرمت مؤمن مانند حرمت کعبه است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۷۱؛ صدوق، ۱۳۸۲، ص. ۲۷؛ مشکوة الانوار، بی‌تا، ص. ۱۹۳) همان‌طور که احترام خانه خدا واجب است، احترام بنده مؤمن نیز ضروری است. (مصباح، ۱۳۸۸، ص. ۲۶۰)

۳- مسئله تداوم حیات بعد از مرگ است

باور به معاد یکی از اصول اساسی در اسلام است که به آن اهمیت زیادی داده شده است. این اعتقاد، انسان را از انحراف و سقوط به بدبختی باز می‌دارد. از آنجایی که هدف اصلی جبهه باطل گمراه کردن انسان‌هاست، این باور برای آن‌ها بسیار خطرناک است. گروه‌های باطل که تحت فرماندهی ابلیس هستند، در تلاش‌اند تا همه انسان‌ها را از راه بندگی خداوند دور کنند.

انقلاب اسلامی در این دوران مانند سدی مستحکم جلوی آن‌ها ایستاد و نگذاشت به اهداف شوم خود برسند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید:

این موضوع که زندگی با مرگ پایان نمی‌یابد، بخشی از عقایدی است که در اسلام و تمامی ادیان الهی وجود دارد و نقش مهمی در جهان‌بینی افراد دارد. تمام این اصول جهان‌بینی در تنظیم روابط زندگی، پایه‌های حکومت اسلامی و اداره جامعه تأثیرگذار هستند.

پس از مرگ، انسان وارد مرحله جدیدی می‌شود؛ انسان نابود نمی‌شود؛ بلکه از جوی بلند می‌شود و به مرحله دیگری وارد می‌گردد. در آن مرحله، حساب و کتاب و قیامت به وقوع می‌پیوندد. وظیفه نظام انقلابی این است که باور به معاد را در دل انسان‌ها زنده نگه دارد تا شرایط مناسبی برای رسیدن به سعادت ابدی فراهم شود. (خامنه‌ای، ۷۹/۹/۱۲)

یکی از اصول جهان‌بینی اسلامی که از ارکان ایمانی و اعتقادی دین اسلام است، اصل ایمان به زندگی جاوید و حیات اخروی است. ایمان به عالم آخرت شرط مسلمانی است؛ یعنی اگر کسی این ایمان را از دست بدهد و انکار کند از زمره مسلمانان خارج است.

پیامبران الهی پس از اصل توحید، مهم‌ترین اصلی که مردم را به آن متذکر کرده‌اند و ایمان به آن را از مردم خواسته‌اند، همین اصل است که در اصطلاح متکلمان اسلامی به نام «اصل معاد» معروف شده است.



در قرآن کریم به صدها آیه برمی‌خوریم که به نحوی از انحا درباره عالم پس از مرگ و روز قیامت و کیفیت حشر اموات و میزان و حساب و ضبط اعمال و بهشت و جهنم و جاودانگی عالم آخرت و سایر مسائلی که به عالم پس از مرگ مربوط می‌شود بحث کرده است، ولی در دوازده آیه رسماً پس از ایمان به خدا از «ایمان به روز آخر» یاد کرده است. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲ ص. ۵۱۴)

قرآن کریم در مورد عالم قیامت تعبیرات مختلفی دارد و هر تعبیری بابی از معرفت است، یکی از آنها «بِالْيَوْمِ الْآخِرِ» است. قرآن کریم با این تعبیر خود دو نکته را برای ما یادآوری می‌کند:

الف. اینکه حیات انسان بلکه دوره جهان، مجموعاً به دو دوره تقسیم می‌شود و هر دوره را به‌عنوان يك «روز» باید شناخت: یکی روز و دوره‌ای که اول و ابتداست و پایان می‌پذیرد (دوره دنیا)، دیگر روز و دوره‌ای که آخر است و پایان‌ناپذیر است (دوره آخرت) (همان)

ب. در حال حاضر که در نخستین مرحله از حیات خود به سر می‌بریم و هنوز به مرحله دوم و روز دوم نرسیده‌ایم، سعادت ما در این روز به داشتن «ایمان» به آن دوره و روز بستگی دارد.

اهمیت این ایمان در این است که ما را به تأمل در عواقب اعمالمان وامی‌دارد و به ما می‌آموزد که رفتار ما، از کوچک‌ترین افکار و گفتارها تا بزرگ‌ترین کارها، آغاز و پایانی دارد. این اعمال به‌راحتی در روز نخست تمام نمی‌شوند و از بین نمی‌روند، بلکه باقی می‌مانند و در روزی دیگر

مورد محاسبه قرار می‌گیرند؛ بنابراین، مهم است که خود و اعمال و نیت‌هایمان را نیکو کنیم و از افکار و کارهای ناپسند پرهیز کنیم. با این کار، می‌توانیم همواره در مسیر نیکی و نیک‌رفتاری گام برداریم. همچنین، سعادت ما در زندگی پس از مرگ به اعمال و رفتار ما در این دنیا وابسته است که می‌تواند فضیلت‌آمیز یا شقاوت‌آور باشد (همان)

۴- استعداد بی‌پایان انسان

خداوند متعال انسان را با استعدادهای متعدد از جمله حقیقت‌جو، کمال‌جو، فطرت‌جو و به دنبال زیبایی و استعدادهای دیگری مثل خلیفه الهی خلق نمود تا انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات به آن دست‌یافت که این استعدادهای بشری در دوران طاغوت از انسان گرفته شد انقلاب اسلامی یکی دیگر از مبناهایش احیاء کردن این استعدادهاست چرا که همه چیز در مسخر انسان است و انسان باید آن را در اختیار بگیرد انسان تا جایی می‌تواند برود که فرشتگان مقرب درگاه الهی قادر به رفتن به آنجا نیستند.

آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید:

این استعداد در دارابودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند.

در آیه شریفه (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) (تین: ۴) «که ما انسان را در نیکوترین نظم و اعتدال و ارزش آفریدیم.» «احسن تقویم» معنایش این نیست

که ما جسم انسان را طوری آفریده‌ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ این‌که مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین‌طور است.

در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه‌گیری انسان را آفریده‌ایم؛ یعنی آن اندازه‌گیری‌ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه‌ای ندارد؛ تا آنجایی می‌رود که در عالم وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می‌تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه اینها بالاتر برود.

اگر بشر بخواهد این سیر را داشته باشد، جز با استفاده از امکانات عالم ماده ممکن نیست. این هم جزو مسلمات است؛ لذا می‌گوید (هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا) (بقره: ۲۹) "اوست که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید" بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلا نیست؛ با استفاده از استعدادهای ماده است؛ بنابراین با هم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می‌گذارد، او در شکوفایی این اثر می‌گذارد و پیشرفت‌های شگفت‌آور را به وجود می‌آورد. (خامنه‌ای، ۷۹/۹/۱۲)

۵- جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح است

در تقابل دائمی جبهه حق و باطل که تا روز قیامت ادامه خواهد داشت، پیروزی همواره از آن جبهه حق است. بهترین شاهد بر این ادعا فلسفه بعثت انبیاء است. اگر انبیاء برای هدایت بشر فرستاده شده‌اند، ولی در نهایت پیروزی از آن جبهه باطل باشد، هدف بعثت آن‌ها بی‌معنا به نظر می‌رسد.

در این راستا، امام خامنه‌ای بیان می‌کنند که تمامی حرکت‌های عالم به منظور هدایت انسان‌ها به سمت جاده اصلی زندگی است. وقتی فردی به این مسیر وارد می‌شود، بدون هیچ‌گونه مانعی می‌تواند استعداد‌های خود را به نمایش بگذارد. انبیاء و اولیا همواره مردم را از بلایای مختلف به این جاده اصلی رهنمون کرده‌اند. هنوز بشریت به نقطه آغاز این صراط مستقیم نرسیده و تحقق آن در زمان ظهور ولیعصر (ارواح‌نفاذ) خواهد بود.

اما تمام این تلاش‌ها بر مبنای این نگرش استوار است که در نهایت، نیروی خیر بر شر غلبه خواهد کرد. شاید این پیروزی زودتر یا دیرتر حاصل شود، اما این یک حقیقت قطعی است که در جهان‌بینی اسلامی هیچ‌گونه تردیدی درباره‌اش نیست... (خامنه‌ای، ۷۹/۹/۱۲)

۶- ایدئولوژی انقلابی

ایدئولوژی انقلابی سیاست‌گذاری و فلسفه‌ای است که پشتوانه اصول و ایده‌های انقلاب قرار دارد. این ایدئولوژی معمولاً به منشأ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه می‌پردازد و هدف آن تغییرات عمیق در نظام طاغوت و ایجاد یک نظام جدید اسلامی است. برخی از ویژگی‌های اصلی ایدئولوژی انقلابی عبارت‌اند از:

۱-۶- تغییرات ساختاری

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سیستم حکومت‌داری سیستمی بود که برای تعالی انسان کارآمد نبود؛ بلکه حکومت پادشاهی جهت حرکت و حاکمیت آن به نفع حاکمان است نه مردم؛ لذا انقلاب بعد

پیروزی شروع به نظام سازی کرد که ثمره آن قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

جهت حرکت آن تعالی انسان در دنیای امروز با منابع مادی و معنوی است و ایدئولوژی انقلابی به تغییرات گسترده در ساختارها و نظام‌های موجود اشاره دارد. این تغییرات ممکن است در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ دهد.

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و پس از استقرار نسبی دولت موقت، حضرت امام علیه السلام که به فکر برقراری نظام مستقر در کشور بودند، بارها و از جمله در روز ۱۵ اسفند ۱۳۵۷ در جمع علما و روحانیون حوزه علمیه قم، با اشاره به برگزاری فرزندوم برای تعیین سرنوشت و نوع حکومت، به تبیین و تشریح نظام جمهوری اسلامی پرداختند و اعلام فرمودند: که رأی ایشان تنها جمهوری اسلامی است، نه یک کلمه کمتر (جمهوری) و نه یک کلمه بیشتر (جمهوری اسلامی دموکراتیک). (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، صص ۳۲۸-۳۲۴)

حکومت جمهوری یعنی حکومت مردم بر مردم نوعی حکومت است که در آن کارگزاران به صورت مستقیم و غیرمستقیم توسط رأی مردم انتخاب می‌شوند و حکومت در اسلام، حکومت قانون است و حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۴)

در نهایت تغییر ساختار توسط خود مردم در جهت حرکت انبیاء و ائمه معصومین علیهم السلام با مبانی اسلامی برای یک نظام انقلابی بعد از انقلاب انجام شد این تغییر ساختار با قوانین اسلامی برای تعالی انسان در عصر امروز بوده است.

۲-۶- تحول فرهنگی

ایدئولوژی انقلابی معمولاً تلاش می‌کند تا الگوها، ارزش‌ها، و باورهای فرهنگی موجود را تغییر دهد.

این تحول ممکن است به منظور تعمیق اصول انقلابی و ایجاد تفاهم جامعه در خصوص آینده باشد. جایگاه انسان در نظام انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگی که ناظر به ارزش‌ها و باورهای فرهنگی است به فضائل اخلاقی و تفکر اسلامی مربوط است؛ یعنی انسان به اصل خودش که همان روح اوست توجه کند نه فقط به فرع که همان ماده انسان است. طاغوت انسان را فقط ماده می‌بیند؛ ولی در انقلاب اسلامی هر دو مورد توجه هستند. علامه مصباح می‌فرماید:

در انقلاب اسلامی به جای این‌که بگوییم اصل ماده یا اصل انسان است، می‌گوییم خدا اصل است و اصالت دارد. این مقوله فرهنگی و مربوط به فکر و دل انسان است. انقلاب اسلامی عواطف و احساسات انسانی را درگیر می‌کند، بینش انسان به هستی را تغییر می‌دهد. به جای این‌که ما خودمان را امری مادی و پدیده‌ای مادی صرف بدانیم و خواسته‌هایمان هم در امور حیوانی متمرکز شود، باید فکر این باشیم که حقیقت انسانیت را رشد

دهیم. فهم، معرفت، ایمان، ارزش‌های انسانی و بالاخره قرب به خدا را افزایش دهیم. (مصباح، ۱۳۹۷/۴/۷)

نهایت امر اینکه انقلاب اسلامی به تمام ابعاد انسان از جمله بعد فرهنگی او توجه کرده است و آن را متحول نموده است.

۳-۶- استکبارستیزی

در میان آرمان‌ها و اهداف بلند انقلاب اسلامی، استکبارستیزی از جایگاهی محوری برخوردار است به طوری که می‌توان این آرمان را صفت ذات انقلاب و جزو مفاهیم موقوم ماهیت آن قلمداد کرد. یعنی در صورت کنارگذاشتن استکبارستیزی، انقلاب اسلامی بدون تردید دستخوش بی‌هویتی خواهد شد.

«ایدئولوژی انقلابی معتقد به مبارزه با نظام سلطه و نظام‌های فاسد است. این ایدئولوژی به دنبال خلق نظامی جمهوری و مشارکتی است که به جای سلطه و تمرکز قدرت، حقوق شهروندان را تضمین کند.

در جهان‌بینی توحیدی حضرت امام علیه السلام نظام آفرینش یک نظام تک‌محور است که خداوند متعال در مرکز آن قرار دارد و تمامی کائنات در سایه مشیت و حکمت بالغه او پدیدار گردیده و از وجود او هستی گرفته است. مبتنی بر این جهان‌بینی رابطه موجودات با مبدأ آفرینش رابطه وابستگی و نیاز دائمی و بلاانقطاع می‌باشد.

یعنی موجودات مستقل از خداوند نیستند؛ بلکه برای بقای خود پیوسته محتاج جریان فیض الهی اند». (حسینیان، ۱۳۸۸: ۳۳-۲۴)

اصل وجود انقلاب اسلامی مبارزه با طاغوت است چرا که تا دشمن شناسایی نشود و با آن مبارزه نشود انسان جایگاه خودش را نمی‌تواند تثبیت کند و اختلاط حق و باطل انسان انقلابی را متزلزل می‌کند؛ لذا مبارزه با استکبار این تمایز حق و باطل انسان را در مسیر تعالی قرار می‌دهد.

۷- انسان تراز انقلاب

در هر نظام و ایدئولوژی‌ای باید انسان‌ها طبق آن حرکت کنند تا بتوانند حرکتی درست و بدون تنش داشته باشند و این انسان است در انقلاب اسلامی مبنای حرکتش را انتخاب کرد آن مبنا نظام ولایت فقیه است که به همه‌پرسی گذاشته شد و در انقلاب اسلامی نظامی بر پایه ولایت برقرار است. که امام خامنه‌ای در مورد نظام ولایی می‌فرماید:

برای کسانی که می‌خواهند از الگوی انسان طراز اسلام، نمونه‌ای ذکر کنند، بهترین نمونه همان کسی است که آن روز نبی مکرّم اسلام ﷺ، او را به الهام الهی و به دستور پروردگار عالم، برای منصب عظیم ولایت، معین فرمود.

معنای ولایت و مفهوم عظیمی که در روز عید غدیر، مصداق مشخصی پیدا کرد، یکی از نکات اساسی است که برای جامعه اسلامی ما و صاحبان فکر، نقطه حسّاسی است و جا دارد روی آن تأمل کنند.

وقتی که در نظامی، ولی‌الله - کسی مثل پیغمبر اکرم یا امیرالمؤمنین (ع) در رأس نظام قرار دارد، آن جامعه، جامعه ولایت است؛ نظام، نظام ولایت است. ولایت، هم صفتی است برای منصبی که نبی اکرم و

جانشینان او از سوی پروردگار، حائز آن بوده‌اند، هم خصوصیتی است برای آن جامعه اسلامی که در سایه آن حکومت، زندگی می‌کند و از پرتو آن بهره می‌گیرد. (خامنه‌ای، بیانات، ۷۷/۰۱/۲۷)

ولایت که عنوان حکومت در اسلام و شاخصه نظام اجتماعی و سیاسی برای اسلام است، یک معنای دقیق و ظریفی دارد که معنای اصلی ولایت هم همان است و آن عبارت است از پیوستگی، پیوند، درهم پیچیدن و درهم تنیدگی این، معنای ولایت است. چیزی که مفهوم وحدت، دست‌به‌دست هم دادن، با هم بودن، با هم حرکت کردن، اتحاد در هدف، اتحاد در راه و وحدت در همه شئون سیاسی و اجتماعی را برای انسان، تداعی می‌کند.

ولایت، یعنی پیوند. (وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا) (انفال: ۷۲) یعنی این پیوند افراد جامعه اسلامی، با هجرت حاصل می‌شود؛ نه فقط با ایمان. ایمان کافی نیست. (خامنه‌ای، بیانات، ۷۷/۰۱/۲۷)

پیوند ولایت که یک پدیده سیاسی، یک پدیده اجتماعی و یک حادثه تعیین‌کننده برای زندگی است، با تلاش، با حرکت، با هجرت، با در کنار هم بودن و با هم کارکردن حاصل می‌شود؛ لذاست که در نظام اسلامی، «ولیت» از مردم جدا نیست.

ولایت که معنایش پیوند و پیوستگی و با هم بودن است، یک جا هم به معنای محبت می‌آید، یک جا هم به معنای پشتیبانی می‌آید که

همه اینها در واقع مصادیق به هم پیوستگی، وحدت و اتحاد است، و الاً معنای حقیقی، همان اتحاد و یگانگی و با هم بودن و برای هم بودن است. معنای ولایت، این است. (همان)

اگر با این دید به جامعه اسلامی نگاه کنید، ابعاد این وحدت اجتماعی و وحدت سیاسی و وحدت معنوی و روحی و وحدت عملی، ابعاد عجیبی می‌یابد که بسیاری از معارف اسلامی را برای ما معنی می‌کند، به سمت مرکز عالم وجود حرکت کردن انسان، در جهت ولایت الله حرکت کردن است.

همه ذرات عالم، خواه و ناخواه در چنبر ولایت الهی، در دایره ولایت الله قرار دارند و انسان‌های آگاه، مختار، تصمیم‌گیرنده و دارای حُسن انتخاب، عملاً ولایت الهی را برمی‌گزینند و در آن راه حرکت می‌کنند؛ محبت الهی را کسب می‌کنند و خود از محبت پروردگار، پر می‌شوند. (همان)

صفا و آرامش در دنیای اسلام و محیط معنوی آن، نتیجه ولایت الهی است که بر اساس حکمت و عشق به خداوند شکل می‌گیرد. این ولایت الهی در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نیز همانند است و تفاوتی اساسی ندارد، در نظام اسلامی، اصل حکومت بر مبنای محبت، ایمان، وحدت و همدلی استوار است.

همبستگی میان مردم و حکومت، و همچنین توافق و هماهنگی میان اجزای مختلف حکومت و جامعه، از بارزترین نشانه‌های ولایتی است که



در عالمی پر از ناهمگونی و تنش می‌درخشد. این ویژگی‌ها، هویت واقعی یک نظام اسلامی را مشخص کرده و آن را از دیگر نظام‌ها متمایز می‌سازد. (همان)

زندگی در نظام اسلامی و نظام ولایت باید بر پایه تعاطف، همدلی، تعاون و همکاری بنا شود، این اصل به‌وضوح در آیات قرآن کریم نمایان است؛ بسیاری از آیات به موضوع همکاری و همدلی معنا می‌بخشند.

به‌ویژه آیه‌ای که می‌فرماید:

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) که در آن، دعوت به اتحاد و پیوستگی به «ریسمان خدا» (قرآن و اهل‌بیت) شده است. برخی آیات به‌صورت غیرمستقیم نیز بر اتحاد دل‌ها و همگامی انسان‌ها تأکید دارند. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نمونه بارزی از همدلی و همکاری یک رهبر سیاسی با مردم است. او الگویی بی‌نظیر در تاریخ به شمار می‌رود؛ ولایتی که به معنای واقعی کلمه، متجلی است.

در نظام مقدس جمهوری اسلامی، ما به برکت اتحاد و همدلی، موفق به انجام بسیاری از کارها شده‌ایم و این افتخار بزرگی است؛ لذا همواره باید بر اهمیت این اصول در جامعه اسلامی تأکید کنیم. (خامنه‌ای، بیانات، ۷۷/۰۱/۲۷)

۸- عدالت اجتماعی:

عدالت لفظی است که اقتضای معنای مساوات دارد و به اعتبار اضافه یکی نسبت به دیگری، استعمال می‌گردد، نیز عدل و عدل معنایی نزدیک به هم داشته لکن عدل در آنچه با بینش و بصیرت ادراک می‌شود، مانند احکام، استعمال می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۳۳۶)

در تعریف مفهوم عدالت فردی این است که افراد، انسان آنچه را که موجب سعادت وی است، انجام دهد و از عملی که تبعیت از هوای نفس به حساب می‌آید در نتیجه، موجب شقاوت آدمی است پرهیز کند.. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۳۳۰-۳۳۱)

عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه با هر یک از افراد جامعه آن‌گونه که مستحق آن است برخورد شود و در جایگاهی که شایسته آن است قرار گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، صص ۳۳۰-۳۳۱)

باید متوجه باشید که این یک تکلیف است که... به مستضعفان برسید. شما در دوردست‌ها مسئولیت دارید به مستمندان که در طول تاریخ زیر فشار و زحمت بودند برسید و جدیت نمایید تا راه چاره‌ای که آنها را به جایی برساند پیدا کنید.

در عمران و راه‌سازی برای آنان جدیت کنید. امروز به مستضعفان و مستمندان وزاغه‌نشینان که ولی نعمت ما هستند خدمت کنید.

(خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص: ۲۷۲)

شهید مطهری می‌نویسد: «من تأکید می‌کنم اگر انقلاب ما در مسیر برقراری عدالت اجتماعی به‌پیش نرود، مطمئناً به نتیجه نخواهد رسید و این خطر هست که انقلاب دیگری با ماهیت دیگری جای آن را بگیرد» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۰)

مبحث عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از پایه‌های فلسفی نظام انقلابی تأکید دارد. نقش انسان در تحقق این مفهوم به‌عنوان یک عضو فعال در جامعه، با توجه به اصول عدالت و توزیع منابع، تعیین کند و تحلیل مبانی فلسفی و ایدئولوژیک نظام انقلابی به ما کمک می‌کند تا فهم عمیق‌تری از اصول این نظام و نقش انسان در این ساختار کسب کنیم. در جوامع عادلانه، عدالت اجتماعی به‌عنوان سازه‌ای اساسی برای ایجاد تعادل و هماهنگی در ارتباطات اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی مدنظر قرار می‌گیرد.

این مفهوم بر فراگیری اصل تساوی و احترام به حقوق انسانی تأکید دارد و تحقق عدالت اجتماعی به‌عنوان هدفی اساسی در رشد پایدار و پیشرفت جوامع در نظر گرفته شده است و مفهومی است که به توزیع منابع، فرصت‌ها، و حقوق به نحوی عادلانه و برابر در جامعه اشاره دارد. این مفهوم به تساوی حقوق و فرصت‌ها برای افراد و گروه‌های مختلف می‌پردازد و تلاش دارد تا تبعات نابرابری‌ها و تبعات ناعادلانه در جوامع را کاهش دهد. عدالت اجتماعی شامل دسترسی برابر، به خدمات بهداشتی، آموزش، به‌کارگیری، حقوق شهروندی و حقوق انسانی مختلف است. این

مفهوم به تعادل در توزیع ثروت و قدرت نیز توجه دارد تا نهادهای اجتماعی فرصت‌ها و منافع را بین اعضای جامعه به طور عادلانه تقسیم کنند.

در مفهوم عدالت اجتماعی، توزیع منابع به نحوی است که افراد با توجه به نیازها، توانمندی‌ها، و ویژگی‌های فردی خود، به طور عادلانه در جامعه مشارکت دارند.

این توزیع باید به گونه‌ای باشد که تمام اعضای جامعه از حقوق اساسی و فرصت‌های متناسب با توانمندی‌هایشان بهره‌مند شوند.

۲. اقتصاد نظام انقلابی و تأثیر آن بر جایگاه انسان

انسان برای بقای زندگی و رفع وسائل معاش و رفع احتیاجات خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و مهم‌ترینش احتیاجات اقتصادی است نیازمند نظام اقتصادی سالم است و از آنجاکه انسان موجودی اجتماعی است و ارتباط با اجتماع و انسان‌های دیگر یا جوامع دیگر انسان ناگزیر است به اقتصاد توجه کند و مفاهیمی از قبیل تولید، مصرف، توزیع، واردات، صادرات، پول، مبادله و از این قبیل مفاهیم در علم اقتصاد کارآمد هستند و این نسخه‌ای که انسان انقلابی را در اقتصاد کار آیی می‌بخشد اقتصاد مقاومتی است.

«اقتصاد مقاومتی، تک‌تک آحاد مردم را در کنار هم قرار می‌دهد و منجر به انسجام‌بخشی، علم و آگاهی مردم می‌شود. امام رضا (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «علم، دانایی و شناخت، دارندگان خود را بهتر از پدران با هم جمع می‌کند» (محمدرضا حکیمی و برادران، ۱۳۹۵، ج ۱، ص: ۱۳۲).

اقتصاد مقاومتی انسان را به‌عنوان یک سرمایه اجتماعی به کار می‌گیرد تا به آرمان‌های خود از قبیل: عدالت، مبارزه با فساد و تبعیض و فقرزدایی است

برسد. اقتصاد مقاومتی یعنی با مقاوم‌سازی و محکم‌سازی پایه‌های اقتصاد کشور بتواند باعث تعالی انسان و نظام اسلامی شود؛ اما اقتصاد مقاومتی چه ارتباطی با جایگاه انسان دارد. اینک با تبیین آن می‌پردازیم:

۲/۱. اقتصاد مردم بنیاد

اقتصادی که سرمایه‌گذارانش مردم باشند تورم‌زا نیست چرا که خود مردم متضرر می‌شوند لذا مردم کارهای که باعث تورم شود انجام نمی‌دهند و دولت هم سهم بیشتر از اقتصاد مردمی با مالیات گرفتن خواهد برد و به حکم عقل نه دولت و نه مردم به خودشان ضرر نمی‌زنند و این اقتصاد در تمام عرصه‌ها شکوفا می‌شود چرا که قدرتش از آن مردم است همچون عرصه‌های فرهنگی و سیاسی و نظامی که مردم قدرت اصلی آن هستند.

«اقتصاد مردم‌محور مشکلات اقتصادی کشور را حل می‌کند و باعث عقب‌نشینی و شکست دشمن می‌شود؛ چون یکی از عوامل برون‌رفت از مشکلات اقتصادی کشور خنثی‌سازی تحریم می‌باشد که با اقتصاد مقاومتی محقق می‌شود و مقاوم شدن در مقابل مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و الهام‌بخش بودن نظام اقتصادی اسلام.»
(ارشدی، ۱۳۹۱: ۴۷، ۷)

خنثی‌سازی تحریم‌ها یعنی اینکه مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی ورود پیدا کرده‌اند تولید انواع محصولات واردتی و سپس

صادرات آن موجب می‌شود تحریم‌های متخاصمین بی‌اثر شود چرا که فلسفه تحریم اقتصاد، مریض انقلاب اسلامی است که فشار اقتصادی به امت اسلامی وارد می‌شود.

«اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ بااراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند». (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۱/۰۶)

یعنی از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، به امکانات کشور متکی است به‌عنوان مثال اگر در روستاهای محصولات دامی و طیوری رشد کند دیگر نیازی به وارد کردن گوشت نیست و حتی برای صادرات آن باید برنامه‌ریزی کرد دقیقاً مثل خودکفایی گندم و نقش دولت فقط سیاست‌گذاری است و بودجه‌های دولتی در عرصه‌های ساختاری متمرکز می‌شود.

۲/۲. اقتصاد دانش‌بنیان

مشارکت تمامی اقشار جامعه و بخشی از نخبگان و تولیدکنندگان در اقتصاد دانش‌بنیان، عامل شکوفایی اقتصادی و به‌کارگیری استعداد‌های آنهاست.

این امر بر مبنای اصول انقلاب اسلامی که تأکید زیادی بر ترسیم جایگاه انسان در نظام انقلابی دارد، شکل می‌گیرد. به‌این‌ترتیب، استعداد‌های بالقوه نخبگان به اوج خود رسیده و می‌توان از پدیده فرار مغزها و سرمایه‌ها جلوگیری کرد. یکی از راه‌حل‌های مؤثر برای احیای فرصت‌های شغلی، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان است.

این شرکت‌ها می‌توانند به کاهش بخشی از بیکاری دانش‌آموختگان کمک کنند. طبق آمار، بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیشتر از سایر گروه‌هاست. افرادی که به‌خاطر دستیابی به تحصیلات عالی زحمت کشیده‌اند، نباید پس از فارغ‌التحصیلی بیکار بمانند. متأسفانه، بسیاری از این افراد با وجود مدارک عالی، در مشاغل غیرمرتبط مانند مسافرکشی فعالیت می‌کنند که این نشان‌دهنده ناکارآمدی سیستم است.

توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان می‌تواند به پر کردن این شکاف کمک کند. گرچه برخی ممکن است انتقاد کنند که این شرکت‌ها به نیروی کار کمتری نیاز دارند، اما می‌توان سازوکارهایی ایجاد کرد که به افزایش اشتغال کمک کند؛ بنابراین، لازم به ذکر است که شرکت‌های دانش‌بنیان باید به‌طورجدی توسعه یابند و این توسعه باید به‌صورت واقعی، بهبود فرصت‌های شغلی و بهره‌برداری از قابلیت‌های تحصیلی افراد را به همراه داشته باشد.». (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۲/۱۹)

۲/۳. اقتصاد عدالت‌محور

برای اینکه همه آحاد جامعه از عدالت اقتصادی برخوردار باشند باید سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی برای تمام اقشار مختلف انجام شود به شکی که افراد مستضعف جامعه احساس مفیدبودن اقتصادی کنند؛ یعنی مصرف‌کننده صرف نباشند؛ بلکه یک محصولاتی را بتوانند تولید کنند به‌عنوان مثال بحث صنایع دستی هر شهری را می‌شود توسط افراد مستضعف گسترش داد تا حدی که نیاز آن‌ها به کمیته امداد برطرف شود

خود کمیته امداد باید برای فقرزدایی برنامه‌ریزی کند اقتصاد در انقلاب اسلامی باید فقر را نباشد؛ بلکه فقرزدا باشد. همگام با رشد اقتصادی همه مردم هم باید رشد کنند تا اختلاف طبقاتی به وجود نیاید. امام خامنه‌ای می‌فرماید:

«تمهیداتی را باید انجام بدهید تا طبقات کم‌درآمد به این وسیله درآمدها بالا برود. آن وقت توانمندسازی طبقات ضعیف به این شکل انجام خواهد گرفت؛ یعنی نقشه راه کاملی در این زمینه به وجود بیاید، و می‌تواند به وجود بیاید؛ یعنی سازمان برنامه و امثال این تشکیلات در دولت، می‌توانند بنشینند و طراحی کنند و مشخص کنند که آحاد مردم، قشرهای ضعیف مردم، چگونه می‌توانند در فعالیت‌های اقتصادی همکاری کنند.

بهترین راه عدالت بنیان‌کردن اقتصاد همین است. اینکه ما روی مسئله عدالت که اساس کار اقتصاد در اسلام عدالت است (لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ) (حدید: ۲۵) عدالت بنیان‌کردن از این راه به وجود خواهد آمد؛ بتوانیم امکان کارکردن و درآمد کسب‌کردن را برای همه مردم فراهم کنیم» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵)

عدالت اجتماعی با عدالت اقتصادی درهم‌تنیده هستند چرا که وقتی ما عدالت اقتصادی را محقق کنیم دیگر عدالت اجتماعی هم محقق شده است. «اسلام یک روش خاص خود دارد. مسلکی در مسائل اقتصادی جامعه اسلامی دارد و آن مسلک را طی می‌کند. اساس سیاست کلی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یک نفر با تلاش و استعداد بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. هدف برنامه‌ریزان باید این باشد. سازمان برنامه و

برنامه‌ریزان کشور، با این سیاست کلی و براین اساس باید برنامه‌ریزی کنند». (خامنه‌ای، ۷۲/۵/۱۲)

نظام اقتصادی نقش اساسی در تعیین جایگاه انسان دارد. در این بخش، نوع نظام اقتصادی نظام انقلابی، آیا اقتصادی اشتراکی، تعاونی یا دیگر مدل‌هاست، بررسی می‌شود. تأثیرات این نظام بر توزیع منابع، درآمد و زندگی اقتصادی افراد به‌ویژه جامعه، تحلیل می‌شود.

نظام اقتصادی انقلابی، یک نظام اقتصادی جامعه است که در پی انقلاب یا تغییرات عظیمی در ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه ایجاد می‌شود. این نظام اغلب به همراه ایدئولوژی‌ها و اهداف سیاسی خاصی می‌آید و تلاش دارد تا توزیع منابع، تولید، و توسعه را بر اساس اصول و ارزش‌های جدیدی که از انقلاب نشئت گرفته‌اند، تنظیم کند.

۲/۴. نقش انسان در اقتصاد:

نقش انسان در ساختار اقتصادی نظام انقلابی چگونه تعریف می‌شود؟ آیا انسان به‌عنوان عامل فعال و شرکت‌کننده در اقتصاد تشویق می‌شود؟ نقش انسان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و مشارکت در فرایندهای اقتصادی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۲/۴/۱. نیروی انسانی

انسان به‌عنوان نیروی انسانی، نقش اساسی در تولید کالاها و ارائه خدمات دارد. نیروی کار انسانی مهم‌ترین عامل تولید است و افراد با ارائه مهارت‌ها و توانمندی‌های خود، به توسعه اقتصاد کمک می‌کنند. برخی از کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه‌یافته، با کمبود نیروی انسانی روبرو هستند تا جایی که به کشورهای مهاجرپذیر تبدیل

شده‌اند؛ اما در جمهوری اسلامی با نیروی انسانی فعال و جوان و آماده‌به‌کار روبرو هستیم این عامل نشان می‌دهد سرمایه و پیشرفت اقتصادی فقط با نیروی انسانی محقق می‌شود.

۲/۴/۲. کارفرما

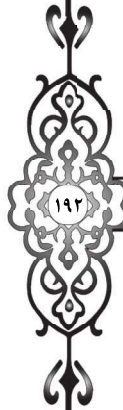
برخی از افراد به‌عنوان کارفرما در اقتصاد فعالیت می‌کنند و نقش مدیریت و سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارها را بازی می‌کنند. آن‌ها با ایجاد فرصت‌های شغلی و توسعه تولید، به رشد اقتصاد کمک می‌کنند. کارفرما باید در جایی سرمایه‌گذاری کند که تولید او یک خلأی را در اقتصاد پر کند باید سنگی را بردارد که بر زمین مانده است این کارفرما، کارفرما در تراز انقلاب است.

۲/۴/۳. کارآفرین:

افرادی که توانمندی و ایده‌آل‌های خود را به کارآفرینی تبدیل می‌کنند، نقش مهمی در اقتصاد ایفا می‌کنند. آن‌ها با ایجاد کسب‌وکارهای جدید، نوآوری، و ایجاد اشتغال، به رشد اقتصادی کمک می‌کنند. یک کارآفرین با نوآوری‌اش می‌تواند پروژه‌ای برای کارفرما باشد که به دنبال پر کردن خلئت این دو با هم عرصه را برای نیروی انسانی باز می‌کنند تا آنها هم در اقتصاد نقش آفرینی کنند.

۲/۴/۴. مصرف‌کننده و مشتری

انسان به‌عنوان مصرف‌کننده نقش مهمی در اقتصاد دارد. تصمیمات او در خرید و مصرف کالاها و خدمات تأثیر قابل‌توجهی بر بازار و تولید می‌گذارد. به‌عنوان مشتری، انتخاب‌های او مستقیماً بر تقاضا و ساختار بازار تأثیر می‌گذارد. اگر مصرف‌کنندگان از کالاهای داخلی حمایت کنند، این امر به تولیدکنندگان انگیزه می‌دهد تا بیشتر و بهتر تولید کنند.



رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

«با مصرف کالای داخلی، به کارگر ایرانی کمک می‌کنید، اشتغال را افزایش می‌دهید و به رشد و توسعه سرمایه‌گذاری ایرانی کمک می‌کنید. متأسفانه، فرهنگ نادرستی در برخی از نقاط ما وجود دارد که ترجیح کالاهای خارجی نسبت به محصولات داخلی را ترویج می‌کند؛ این امر به ضرر پیشرفت و آینده ماست. همه ما، از جمله دولت، مسئولیت داریم تا از تولید ملی حمایت کنیم و آن را تقویت نماییم.

شما باید خواهان کالاهای ایرانی باشید. این یک افتخار نیست که مارک‌های خارجی را نسبت به محصولات داخلی ترجیح دهیم، درحالی‌که بسیاری از تولیدات داخلی از کیفیت بالاتری برخوردارند. شنیده شده که برخی لباس‌های تولید داخل تحت مارک‌های خارجی به فروش می‌رسند؛ این نشان می‌دهد که برخی خریداران به دلیل اسم مارک، از خرید تولیدات داخلی صرف‌نظر می‌کنند که ضرورتی ندارد.

تولید داخلی اهمیت بسیاری دارد و باید به کارهای کارگران و سرمایه‌گذاران ایرانی توجه کنیم. در عرصه مصرف، عمده کار بر عهده مردم است که بخشی از اصلاح الگوی مصرف و جهاد اقتصادی است که در سال‌های اخیر تأکید شده است. تولید ملی بسیار حیاتی است و باید در دستور کار همه ما قرار گیرد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱/۱)

۲/۴/۵. سرمایه‌گذار

افرادی که سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و کسب‌وکارها انجام می‌دهند، نقش اساسی در رشد اقتصاد دارند. این افراد با ارائه سرمایه برای پروژه‌های مختلف، ایجاد اشتغال و توسعه اقتصادی را تسهیل می‌کنند. امام خامنه‌ای در این باره بیان داشتند که:

«سرمایه‌گذار و کسانی که امکان دارند، بایستی سرمایه‌گذاری کنند. بنده می‌شناختم افرادی را که می‌توانستند پولشان را ببرند در بخش‌های پر درآمدی که غیرتولیدی است صرف کنند، نکردند؛ گفتند نمی‌کنیم؛ می‌خواهیم به کشور خدمت کنیم؛ آمدند در تولید سرمایه‌گذاری کردند، با سود کمتر، درآمد کمتر؛ برای خاطر اینکه فهمیدند کشور احتیاج دارد؛ خوب، این عبادت است.

سرمایه‌گذاری که فکر نیاز کشور را می‌کند و پول را نمی‌برد در راه دلالی و کارهای پر درآمد و مضرّ برای کشور صرف کند و می‌آید صرف می‌کند در سرمایه‌گذاری، این کارش حسنه است، بنابراین سرمایه‌گذار نقش دارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۹)

وظایف انسان در نظام انقلابی

انسان‌های که در نظام انقلاب اسلامی هستند دارای وظایفی می‌باشند که نقش آنها را به خوبی ترسیم می‌کند و این وظایف بر دوش یکایک انسان‌ها هست که اینک این وظایف را مطرح می‌کنیم:

۳/۱. عبودیت و اطاعت خداوند

این نظام به خاطر اسلامی بودنش علاوه بر وظایف شهروندی که هر انسانی در جامعه پیرامون خودش دارد وظایف دیگری نسبت به اسلام و خالق هستی دارد و آن عبودیت و اطاعت خدای متعال است. «از منظر قرآن کریم غرض از خلقت آدم و عالم عبودیت و بندگی خداوند است: (وَ مَا خَلَقْتُ الْإِنْسَ وَ الْجِنَّ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي) (الذاریات: ۵۶) "و جن و انس را جز برای اینکه مرا پرستند نیافریدیم" و در جای دیگر می‌فرماید: (يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا) (نور: ۵۵) "فقط مرا پرستند [و] هیچ چیزی را شریک من نگیرند."

آنچه از آیات قرآن استفاده می‌شود نیل انسان به مقام عبودیت است نه عبادت. چون عبادت با شرک و کفر قابل جمع است؛ اما عبودیت یک ملکه و صفت همیشگی است و توحید محض می‌باشد؛ لذا خدا از رسولش در قرآن تعبیر به عبد فرموده است:

(سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ) (الإسراء: ۱) "منزه و پاک است آن خدایی که شبی بنده‌اش محمد ﷺ را از مسجد الحرام به مسجد الاقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر داد." (رضائی، ۱۴۰۲، صص ۲۷-۲۸)

عبودیت نهایت بندگی یک انسان به خالقش است که در نظام انقلاب اسلامی موجب می‌گردد جامعه دینی و توحیدی شکل گیرد.

«چون عالم مالک و صاحب و آفریننده و مدبّر دارد و ما هم جزء اجزاء این عالمیم، لذا بشر موظف است اطاعت کند. این اطاعت بشر به معنای هماهنگ شدن او با حرکت کلی عالم است؛ چون همه عالم (يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ) (جمعه: ۱) آسمان و زمین و ذرات عالم، دعوت و امر الهی را اجابت می‌کنند و بر اساس قوانینی که خدای متعال در آفرینش مقرر کرده، حرکت می‌کنند.

انسان اگر برطبق قوانین و وظایف شرعی و دینی که دین به او آموخته است عمل کند، هماهنگ با این حرکت آفرینش حرکت کرده؛ لذا پیشرفتش آسان‌تر است؛ تعارض و تضاد و اصطکاکش با عالم کمتر است؛ به سعادت و صلاح و فلاح خودش و دنیا هم نزدیک‌تر است. البته عبودیت خدا با معنای وسیع و کامل آن موردنظر است.

پس در عمل، دو وظیفه وجود دارد:

یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم، و دوم سرپیچی از اطاعت «انداد الله»؛ هر آن چیزی که می‌خواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند. یکی از مصداق‌های «انداد الله» هوای نفس ماست. شرط توحید، سرپیچی کردن و عدم اطاعت از هوای نفس است که این «اخوف ما اخاف» است». (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

عبودیت این موقعیت را برای انسان فراهم می‌کند که در حکومت اسلامی انسان توحیدی را ترسیم کند که با محوریت عبودیت در تمام عرصه‌ها قدم گذارد و آن را ارج نهد.

۳/۲. هدف گرفتن تعالی انسان است

هدف از خلقت انسان تعالی اوست که در دنیای امروز در بستر حکومت‌ها اتفاق می‌افتد و حکومتی که این اصل را فراهم کند حکومت دینی و اسلامی است.

مقام معظم رهبری در مورد تعالی می‌فرماید:

«این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظف‌اند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خُلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسان‌ها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند.

این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره حکومت غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد». (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

۳/۳. ترجیح فلاح اخروی بر سود دنیوی

رستگاری انسان در عصری که همه دغدغه‌های بشری در دنیای مادی خلاصه می‌شود، امری مشکل و پیچیده است. چرا که باید زندگی‌ای را

برای امت اسلامی برنامه‌ریزی کنیم که در آن، رستگاری اخروی و سود دنیوی به صورت متعادلی مدنظر قرار گیرد. در نهایت، انسان باید به این نکته توجه کند که برای رسیدن به سعادت اخروی، طبق آموزه‌های اسلام عمل کند و نه پیرو سایر مکاتب بشری باشد.

جایگاه انسان در این انقلاب زندگی اسلامی، معنای حقیقی خود را پیدا می‌کند؛ زیرا برخی افراد بر این باورند که دین فقط مربوط به عبادات فردی است و به سایر شئون زندگی ارتباطی ندارد.

این نیز یکی از وظایف عملی هر انسانی است که به آن جهان‌بینی معتقد است. به این معنا که اگر موقعیتی پیش آید که سود دنیوی با اهداف اخروی سازگار نباشد، انسان باید سعی کند تا حداقل این سود دنیوی را در جهت اهداف اخروی قرار دهد.

اگر در جایی سازگاری نبود، انسان باید یا از یک سود چشم‌پوشی کند - چه سود مالی، چه قدرت و مقام و محبوبیت و... - یا گناهی را مرتکب شود که موجب وزر و وبال اخروی است. لازمه اعتقاد به آن جهان‌بینی این است که انسان جنبه اخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از سوی سود دنیوی صرف‌نظر کند و از ارتکاب گناهی که به ضرر اخروی منجر می‌شود، دوری کند.

بر عهده هر مسلمانی است که این‌گونه عمل کند. انسان باید فعالیت‌های خود را به نحوی برنامه‌ریزی کند که با تلاش‌های عظیم دنیوی که ناچار است آنها را انجام دهد، منافاتی نداشته باشد و برخلاف فلاح اخروی و وظایفی که تخلف از آنها ممکن است در آخرت برای او وزر و وبال به بار آورد، نباشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

این اصل روحیه جهادی را در انسان افزایش می‌دهد تا در هر عرصه‌ای هست با این تفکر به مجاهدت در برابر جبهه باطل بپردازد و در برابر نظام اسلامی خودش را مسئول بداند این امر باعث رشد و پیشرفت او و اجتماع می‌شود.

«یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی - چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع که حکومت و یا یک قدرت باشد - این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد.

گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ می‌گوید به ما چه! کج‌روی‌های برخاسته از هوس نیز همین‌طور است. انسان به اینها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی‌عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است». (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

۳/۵. امید به نصرت الهی

یکی از اصولی که انسان انقلابی باید بدان ایمان داشته باشد نصرت الهی یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ** (محمد: ۷) "ای مؤمنان! اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند

و گام‌هایتان را محکم و استوار می‌سازد" است موجب حرکت قدرتمندانه او می‌شود که با اعتماد به خدا در هر عرصه‌ای گذارد پیروز میدان است.

«کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل‌الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل‌الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل‌الله چیست؟ این است که انسان به سبیل‌الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می‌تواند در راه آن مجاهدت کند». (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۹/۱۲)

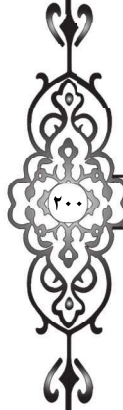
۴. حقوق و آزادی شهروندی در نظام انقلابی

«آزادی به حریت، اختیار، خلاف بندگی و قدرت عمل یا ترک عمل، معنا شده است». (دهخدا، ۷۷/۱)

به رفتار و کنشی را که انسان بر اساس خواسته برآمده از میل و اراده خود محقق می‌کند، آزادی گویند. (محمدرضایی، ۱۳۹۰، ۱۲۴)

اندیشمندان معتقدند فهم معنای آزادی و به تبع آن ارائه تعریف جامع و مانع از آن، بسیار دشوار یا ناممکن است. (جعفری، ۱۳۷۳، ۳۶۳).

در متون سیاسی، آزادی، حق افراد جامعه برای شرکت در امور حکومت و تعیین سرنوشت است. این آزادی‌ها در قالب آزادی انتخاب حاکم، حکومت، مجلس، آزادی احزاب و مانند آن تحقق می‌یابد. (شیرخانی، ۱۳۸۶، ۱۱۷-۱۱۸).



در آموزه‌های اسلامی هم بر جهت و غایت آزادی و هم بر رفع موانع درونی به کمک پرهیزگاری و خویش‌داری تأکید شده است (مطهری، ۴۴۲/۲۳ - ۴۴۳).

رهاورد این بنیان معرفتی آن است که آزادی از دیدگاه اسلام نه یک هدف نهایی، بلکه یک کمال ابزاری است. (مطهری، ۴۴۲/۲۳ - ۴۴۳).

در اصول ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۳۳ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بر بنیان آزادی‌های فردی مانند آزادی بیان، اندیشه، کسب و کار و محل اقامت، آزادی‌های اجتماعی مانند آزادی‌های مذاهب اسلامی، اقلیت‌های دینی و اقوام و قبایل ایرانی، در پیوند با پیامدهای اجتماعی آن توجه شده است. یکی از دانشجویان عزیز اظهار کردند که جلسات آزاداندیشی به معنای واقعی کلمه برگزار شود.

من کاملاً با این نظر موافقم. زمانی که موضوع کرسی‌های آزاداندیشی مطرح شد، هدف اصلی ما همین بود؛ یعنی فردی بتواند بدون ترس و نگرانی دیدگاه مخالف خود را بیان کند. اما می‌خواهم تأکید کنم که شما دانشجویان انقلابی، مسلمان و ولایی باید قدرت منطق و استدلال خود را افزایش دهید تا بتوانید با آرامش و خونسردی در مقابل دیدگاه‌های مخالف قرار گرفته و آن‌ها را با دلایل محکم و منطقی رد کنید.

این کار، کاری درست و ضروری است و امروز قابل انجام است؛ شاید ده یا دوازده یا پانزده سال پیش این امکان وجود نداشت، اما امروزه جوانانی که دینی و فعالانه فکر می‌کنند فراوان هستند و مشکلی از این بابت نیست. البته، کرسی‌های آزاداندیشی نیاز به نظم و آداب مشخصی دارند. باید عقلای مسئول در دستگاه‌ها برنامه‌ای دقیق و منظم تنظیم کنند تا این جلسات به‌درستی هدایت شوند و به اهداف موردنظر دست یابند. این هم نکته‌ای بود که لازم بود بیان شود. ممنونم از شما که این سؤال را مطرح کردید. اگر نیاز به توضیحات بیشتر دارید، خوشحال می‌شوم کمک کنم.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰) آزاداندیشی خاصیت علمی بودن است و تحجر در میدان علم، اصولاً معنا ندارد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲)

آزادی در اسلام و انقلاب اسلامی به معنای حاکمیت قوه عقل بر قوای شهوت و غضب است؛ اما آزادی در غرب به معنای حاکمیت شهوت بر قوای عقل و غضب است و همچنین در نظام انقلابی آزادی با تمام فروعاتش وجود دارد و نقطه عطف آزادی در نظام انقلابی با سایر نظام‌ها در این است که آزادی مطلوب، آزادی‌ای است که باعث پیشرفت و حرکت به سمت سعادت شود؛ ولی آزادی در جبهه مقابل به معنای ولنگاری و اختلاط جنسیتی می‌باشد.

نتیجه‌گیری:

در این تحقیق، تلاش بر این بود که تأثیرات چندگانه نظام انقلابی بر وضعیت انسانی را از زوایا و ابعاد مختلف بررسی کنیم. این بررسی به تحلیل عمیق رابطه بین مبانی انقلاب اسلامی، اقتصاد، جنبه‌های جامعه‌شناسی، و حقوق و آزادی‌های شهروندی با وضعیت انسان در این نظام پرداخته است.

در بخش مبانی انقلاب اسلامی، اصول و ارزش‌های اصلی که به‌عنوان ستون‌های بنیادین نظام انقلابی شناخته می‌شوند، نقش اساسی در تعیین جایگاه انسان دارند. این اصول که نه تنها در زمینه‌های فلسفی بلکه در زمینه‌های اجتماعی نیز تأثیرگذار هستند، سهم بزرگی در تبیین نقش انسان در سیستم انقلابی دارند.

در بخش اقتصاد، تغییرات در نظام اقتصادی و نحوه توزیع منابع نقش مهمی در تعیین وضعیت اقتصادی و موقعیت اجتماعی افراد ایفا می‌کند. این تغییرات به روشن شدن تأثیرات آنها بر زندگی روزمره، سطح رفاه، و نقش افراد در اقتصاد نظام کمک می‌کند.

بخش جامعه‌شناسی نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی و تغییرات در نگرش به اجتماع، تأثیر بزرگی بر جایگاه افراد در جامعه دارند. در حوزه حقوق و آزادی‌های شهروندی، تأمین حقوق اساسی و آزادی‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام انقلابی، نقش مهمی در تعیین موقعیت انسان در جامعه دارد. این حقوق و آزادی‌ها نقش حیاتی در برقراری ارتباط بین فرد و حکومت و نیز تأثیرات آن بر زندگی روزمره افراد دارند.

به این ترتیب، نظام انقلابی با تأثیرات چندجانبه خود در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و حقوقی، تأثیرات عمیقی بر جایگاه انسان دارد. این تحلیل می‌تواند به درک بهتر از چگونگی تأثیر این نظام بر زندگی و مشارکت انسانی در جامعه کمک کند و به‌عنوان یک پایه مطالعاتی برای تحقیقات آینده در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

قرآن

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۲ ش)، الخصال. قم، نسیم کوثر.
۲. ایازی، سید محمدعلی (۱۳۹۵ ش)، آزادی در قرآن، تهران، ذکر.
۳. جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳ ش)، حکمت اصول سیاسی اسلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
۴. حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۸ ش)، مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. خامنه‌ای، سید علی، بیانات، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
۶. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹ ش)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۲۲ ج، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۷. خمینی، روح‌الله (ش ۱۳۷۹)، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۲ ش)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، روزنه.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم.
۱۰. رضائی، احمد (۱۴۰۲ ش)، انواع قلب در قرآن کریم، قم، حکیم روز.
۱۱. شیرخانی، علی (۱۳۵۲ ش)، آزادی از نگاه اسلام شیعی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ ج). بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. طبرسی، علی بن حسن (بی‌تا)، مشکاة الأنوار، نجف اشرف، مکتبة الفقیه.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۱۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار (۱۱۱ ج). بیروت، دار إحياء التراث العربي.
۱۶. حکیمی، محمدرضا، حکیمی، محمد، و حکیمی، علی (۱۳۶۷) الحیة (۶ ج). تهران، دفتر نشر فرهنگ.
۱۷. مصباح، محمدتقی (۱۳۸۸)، نظریه حقوقی اسلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری (۲۷ ج). تهران، صدرا.

مقالات

۱۹. ارشدی، وحید، خسروجردی، عمار (۲۰۱۷ م) انسان تراز اقتصاد مقاومتی باهدف تشکیل شبکه» اقتصاد مقاومتی «(بارویکرد مقام معظم رهبری، شبکه تحلیلگران اقتصاد مقاومتی - سومین همایش سالانه اقتصاد مقاومتی - کد مقاله: ۴۷
- <https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/>
۲۰. اسلامی. محمدرضایی، محمد. (۱۳۹۰). آزادی و خودمختاری انسان از دیدگاه کانت و نقد و بررسی آن. انسان پژوهی دینی، ۸(۲۵)، ص ۲۱-۳۳.

[/https://sid.r/paper](https://sid.r/paper)

سایت

۲۱. سایت امام خامنه‌ای <https://farsi.khamenei.ir>
۲۲. سایت پرتال امام خمینی <http://www.imam-khomeini.ir>
۲۳. bibliography

تأثیرپذیری حکومت و اخوان المسلمین سوریه از انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳

صادق سعیدیان^۱ - سعید خدادادی (نویسنده مسئول)^۲ - مهدی رضائی^۳ - شاهد سالخورده^۴

چکیده

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین انقلاب‌های یک قرن اخیر می‌باشد که بر جهان تأثیراتی را به دنبال داشته است که لازم است این تأثیرات مورد بررسی قرار گرفته شوند. فلذا این نوشتار به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی تأثیرپذیری حکومت و اخوان المسلمین سوریه از انقلاب اسلامی پرداخته است؛ زیرا حکومت و اخوان المسلمین سوریه یکی از طرفداران انقلاب ایران در اوایل انقلاب بوده است و تأثیراتی را از انقلاب گرفته؛ فلذا لازم است که این تأثیرپذیری مورد بررسی قرار گرفته شوند. بعد از بررسی‌هایی که در این زمینه انجام گرفت دستاوردهایی را به دنبال داشته است که از جمله اینکه امام خمینی برای صدور انقلاب به دنیا اقدامی از قبیل اعلام روز جهانی قدس، استفاده از فرصت حج و اعزام مسئولین ایرانی به کشورها مختلف، انجام داده است. اما این انقلاب تأثیرات دوگانه بر اخوان المسلمین سوریه داشته است: اول اینکه موجب احیای جبهه اخوان المسلمین در کشور شد، دیگر اینکه بعد از عدم حمایت ایران در مقابل حافظ‌اسد، این جبهه به دشمنی با ایران پرداخته و دست از حمایت خود از ایران برداشته و بر علیه آن اقداماتی نمودند. کلیدواژگان: سوریه، انقلاب اسلامی، اخوان المسلمین، امام خمینی.

طرح مسئله

- ۱ - دانشجوی دکتری تاریخ، گرایش تاریخ اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران، s.saeidian@Urd.ac.ir
- ۲ - دانش‌آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم، قم، ایران، saidkhod1368@gmail.com
- ۳ - دانشجوی دکتری تخصصی علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد نیشابور، خراسان رضوی، mehdi_80ir@yahoo.com
- ۴ - دانشجوی ارشد دانشگاه معارف قم، ایران، sahebolarvazzaman1412@gmail.com

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین اتفاقی بوده است که در یک قرن اخیر در جهان به وقوع پیوسته است، به‌گونه‌ای که توجه همه کشورهای را به خود معطوف نموده است. بسیاری از کشورهای استعمارگر به دنبال از بین بردن این انقلاب و دستاوردهایی که به دنبال داشته است، بودند، اما رهبران انقلاب اسلامی در صدد صدور این انقلاب به دیگر مناطق جهان بوده‌اند. در این زمینه نیز موفق بوده‌اند، به‌گونه‌ای که انقلاب اسلامی را به بالای ۹۰ کشور به صورت مستقیم یا غیرمستقیم صادر نموده‌اند.

یکی از این کشورهایی که انقلاب به آنجا صادر شده است و از آن تأثیراتی را گرفته‌اند، کشور سوریه و گروه اخوان المسلمین است که این نوشتار در صدد بررسی تأثیراتی است که انقلاب اسلامی بر اخوان المسلمین سوریه گذاشته است، می‌باشد؛ به‌خاطر اینکه این کشور وجوه مشترکی با انقلاب اسلامی داشته است که موجب نزدیک شدن آنها به گشته که از این جهت لازم است که این تأثیرات مورد بررسی قرار گرفته شود.

سؤال اصلی

سؤال تحقیق این است که تأثیرپذیری اخوان المسلمین سوریه از انقلاب اسلامی چگونه بوده است؟

سؤالات فرعی

اقدامات امام خمینی در زمینه تأثیر بر اخوان المسلمین سوریه چه بوده است؟

تأثیرات انقلاب اسلامی بر اخوان المسلمین سوریه چیست؟

فرضیه اصلی

بعد از بررسی‌های اجمالی می‌توان به تأثیرات درونی و بیرونی بر اخوان المسلمین سوریه اشاره نمود.

فرضیه فرعی

اما انقلاب اسلامی بر سوریه تأثیرات فرعی داشته است که عبارت‌اند از: